

جستاری در نقد و بررسی کتاب اصلاحات ارضی در ایران؛ اثر آ.ک.اس لمبتون

مصطفی ازکیا*

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۲۴؛ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۵)

چکیده

اصلاحات ارضی یا بازتوزیع زمین و بهره‌برداری به نفع روستائیان منجر به تغییر در روابط تولید و ساختار جامعه از طریق انتقال قدرت ملی و محلی شد. همزمان با تصویب لایحه اصلاحات ارضی این موضوع بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. این مطالعات، شامل کلیات اصلاحات ارضی تا الغای رژیم ارباب و رعیتی طی مراحل مختلف اجرای این لایحه می‌شد که حاصل آن در مطالعات شاخص پژوهشگران ایرانی و خارجی مشهود است. از جمله این پژوهشگران، خانم لمبتون از چهره‌های علمی و سیاسی است که طی سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۶، در کتاب هفده فصلی خود تحت عنوان اصلاحات ارضی در ایران به این موضوع پرداخته است. نگاه او در این مطالعه، در برخی بخش‌ها سیاحت‌گونه و در برخی فصول، علمی، دقیق و موشکافانه است. اما با توجه به مطالعات نگارنده طی چهل سال اخیر در مناطق روستایی ایران، نتایج حاصل از این مطالعات، تفاوت معنی‌داری با مطالب مطرح‌شده در کتاب ایشان دارد. حاصل این تناقض، این فرض را مطرح می‌کند که بر مطالعات خانم لمبتون، شرایط از پیش تعیین‌شده‌ای حاکم بوده است. نگاه ارزشی ایشان در برخی موارد، منجر به خسران و تضعیف برخی حقوق روستائیان شد و چگونگی تاثیر اجرای قوانین ارضی بر

*. مصطفی ازکیا، استاد بازنشسته دانشگاه تهران و استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات

ساخت سیاسی و اجتماعی، عموماً مورد توجه قرار نگرفت. پیامد اصلاحات ارضی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و با وجود از بین بردن نظام ارباب رعیتی، با حذف مدیریت تولید زراعی کشاورزان و سوق دادن آنها به سمت شهرها، منجر به افول تولیدات کشاورزی، پیامد منفی مهاجرت و ایجاد نابرابری اجتماعی، اقتصادی در جامعه روستایی شد. بنابراین به نظر می‌رسد انجام مطالعه‌ای انتقادی بر مباحث مطرح‌شده توسط ایشان ضروری باشد که در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: اصلاحات ارضی، لمبتون، دهقانان، مالکان، روستائیان.

مقدمه

این نوشتار به منظور دستیابی به پاسخ این سوال تدوین شده که نویسنده کتاب اصلاحات ارضی در ایران چقدر توانسته است تاثیر حاصل از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ را بر ساختار طبقاتی، مناسبات تولیدی و ساخت قدرت را نشان دهد.

بطور کلی اصلاحات ارضی به معنی توزیع مجدد زمین، یا حق استفاده و بهره برداری از زمین به نفع دهقانان و کارگران زراعی تعریف شده است (Warriner, 1969). ادعا شده که برنامه اصلاحات ارضی جامع می‌تواند روابط تولیدی را تغییر دهد. همچنین می‌تواند در ساخت طبقاتی جامعه روستایی تاثیر بگذارد. اصلاحات ارضی با تغییر در سازمان تولید سبب تشدید یا ایجاد آشوب‌های اجتماعی می‌شود و بالاخره اصلاحات ارضی یا تغییر در ساخت قدرت از طریق منتقل کردن قدرت‌های محلی و ملی مالکان به دهقانان، به بورژوازی، یا به بوروکراسی و کارگزاران آن، می‌تواند بر جامعه تاثیر بگذارد (Katouzian, 1974). بررسی‌های محققان ایرانی نشان می‌دهد اجرای اصلاحات ارضی در ایران با درجات مختلفی، ویژگی‌های بالا را داشته است. اولاً اجرای اصلاحات ارضی، موجب کاهش فعالیت‌های کشاورزی از نقطه نظر نیروی کار و بازده شد و ثانیاً موجب شد موقعیت گروه‌های متمایز اجتماعی در روستا تثبیت شود. ثالثاً موجب شد سازمان سنتی تولید تا حدودی تغییر پیدا کند و در نهایت سبب تحکیم قدرت دستگاه بوروکراتیک در مناطق روستایی شود (ازکیا، ۱۳۸۸). بنابراین بررسی

دیدگاه‌های خانم لمبتون پیرامون اصلاحات ارضی در ایران و مقایسه آن با دستاوردهای برخی پژوهشگران ایرانی از زمره‌ی اهداف این بررسی است.

نکته دیگری که در این مقدمه به آن اشاره می‌شود شخصیت دوگانه علمی و سیاسی خانم لمبتون است. از نظر علمی نامبرده بعنوان یک مستشرق، آثار ارزنده‌ای درباره‌ی ایران و اسلام از خود به یادگار گذاشته است که در همین اثر هم مورد تاکید قرار گرفته است. اما در عین حال، ایشان سال‌های زیادی را در سفارت انگلیس در ایران در مشاغل مختلف سپری کرده و نقش نسبتاً تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی انگلیس در ایران داشته که به برخی از آنها در این مقاله اشاره می‌شود.

در کتاب ادوارد ابراهامیان تحت عنوان کودتای ۱۹۵۳ که در سال ۲۰۱۳ منتشر و به فارسی هم ترجمه شده، در صفحاتی از آن به نقش فوق‌العاده موثر لمبتون در کناره‌گیری اجباری رضاشاه از قدرت اشاره شده است. طی این دوره، بخش عمده‌ی برنامه‌های رادیو BBC در سرزنش و نکوهش سیاست‌مداران، به ویژه فساد دربار و رفتار شخصی رضاشاه، توسط نامبرده تهیه شده است (Abrahamian, 2013: 102). در جای دیگر در همین کتاب می‌خوانیم پرفسور آن لمبتون، وابسته مطبوعاتی پیشین در ایران و کسی است که به طور مستمر و مداوم از آوریل ۱۹۵۱ وزارت امور خارجه کشورش را ترغیب می‌کرد که هیچگونه فرصتی به مصدق ندهند و بر عزل و برکناری مصدق اصرار می‌ورزید (همان، ۱۵۰). همچنین در کتاب عباس میلانی تحت عنوان "The Shah"، در صفحات ۸۳، ۹۱، ۱۵۱، ۲۰۲ و ۳۰۳، موارد متعددی درباره‌ی نقش ایشان در جریان‌های سیاسی دوران پهلوی اول و دوم مورد تایید قرار گرفته است.

در صفحه ۹۰ کتاب ابراهامیان نیز آمده است که پروفیسور آن لمبتون - وابسته مطبوعاتی در تهران - تاکید می‌کرد وزارت خارجه خونسردی خود را حفظ کرده و منتظر سقوط مصدق در آینده نزدیک باشد. او معتقد بود تلاش‌های غیررسمی و محرمانه در رابطه با خالی کردن زیر پای مصدق موفقیت‌آمیز بوده و هرگونه بحث و گفتگو با مصدق و دادن امتیاز به او در واقع موقعیت وی را مستحکم خواهد کرد. لمبتون معتقد بود آن دسته از سیاست‌مداران آمریکایی که طرفدار توافق و سازش با مصدق هستند، از قدرت درک و تجزیه کافی برخوردار نیستند. وی بطور مستمر به ارائه و پیگیری چنین نظراتی در طول کودتا می‌پرداخت (همان، ۱۹۰).

به این ترتیب، از منظر سیاسی شخصیت خانم لمبتون نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد، زیرا در تغییر سرنوشت ایران نقش داشته و هیچ ایرانی علاقمند به آب و خاک اجدادی خود نمیتواند از گناه او صرف‌نظر کند.

درباره نویسنده^۱

آن کاترین سوائنفورد لمبتون^۲ نویسنده کتاب، دختر یکی از اعیان انگلستان به نام جرج لمبتون است که در فوریه ۱۹۱۲ میلادی (۱۹ بهمن ۱۲۹۰ شمسی) به دنیا آمد (زریری، رضا). او در ۱۶ سالگی به خاورمیانه علاقه‌مند شد و سر دنیسون راس، مدیر وقت مدرسه زبان‌های شرقی (دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن) او را تشویق کرد که در آنجا به تحصیل مشغول شود. این مدرسه از مراکز با سابقه شرق‌شناسی، مطالعات اسلامی و تدریس زبان‌های شرقی در انگلستان است. او در تعطیلات تابستانی ۱۹۳۴ برای اولین بار از ایران دیدن کرد و در سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش با ارائه پایان‌نامه‌ای در مورد نهادهای سلجوقی، دکترا گرفت. او بخش اعظم اوقات خود را در ایران، در شهر اصفهان سپری کرد و ضمن آشنایی بیش از پیش با زبان فارسی، سفرهای گسترده‌ای نیز انجام داد و اقتصاد، به ویژه مسائل ارضی ایران را مورد مطالعه قرار داد. او روز شنبه ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۸ در سن ۹۶ سالگی در شهر نورتامبرلند^۳ انگلستان درگذشت. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به کتاب «مالک و زارع در ایران»، «اصطلاحات ارضی در ایران»، «ایران در دوره قاجار»، «تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران» و «تاریخ ایران بعد و قبل از اسلام» نام برد. همچنین آگاهی وی در زمینه زبان فارسی باعث شد بعد از انتشار سه گویش فارسی، دستور زبان و لغت نامه فارسی او نیز منتشر شود.

گذشته از این کتاب‌ها، او مقالات متعددی هم نوشته و در مجلات مختلف منتشر کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «شرحی درباره قم»، «تنظیم آب زاینده رود»، «جامعه اسلامی

۱. از خانم فاطمه میمندی دانشجوی دکتری واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی که بخش «درباره نویسنده»، را تدوین کرده اند تشکر و قدردانی می‌شود.

2. Annkatherine SwynFord Lambton

3. Northumberland

در ایران»، «نصیح‌الملوک و آئین شهریاری»، «تأثیر تمدن غرب در ایران»، «نظریه دولت در ایران» و «انجمن‌های سری و انقلاب ایران در سال ۱۳۲۴ قمری». مطالعات لمپتون در زمینه‌ی نظام ارضی باعث شد او به اقصی نقاط ایران سفر کند و کتاب اصلاحات ارضی ایران که طی سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۲ نوشته شد، یکی از نتایج همین سفرها بود.

محتوای کتاب^۱

به گفته مترجم^۲ که در مقدمه آمده، می‌توان کتاب اصلاحات ارضی در ایران را ادامه‌ی کتاب مالک و زارع در ایران و به عبارتی جلد دوم آن دانست. کتاب حاوی مقدمه‌ای کوتاه، هفده فصل اصلی، یک فصل پی‌نوشت و فصلی است که به توضیح لغات و اصطلاحات تخصصی و واژه‌های متعارف در مناطق مختلف کشور اختصاص دارد.

در فصل اول، دوم و سوم به بررسی وضعیت طبیعی و جغرافیایی کشور، معرفی پیشینه تاریخی حل مسئله زمین از جنبش مشروطه به بعد تا جنبش ملی شدن نفت و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فضای سیاسی اواخر دهه سی و تصویب قانون اصلاحات ارضی پرداخته شده است.

۱. کتاب اصلاحات ارضی در ایران به توصیه اینجانب به آقای اسحاقی از اصحاب علوم اجتماعی برای ترجمه پیشنهاد و ایشان نیز آنرا پذیرفتند. ترجمه کتاب بیش از دو سال به طول انجامید و مترجم کلیه موارد قانونی اصلاحات ارضی را با متن فارسی آن تطبیق دادند و برخی اشکالات آن را در زیرنویس متذکر شدند. سال گذشته، توسط نگارنده این سطور، این اثر یک‌بار دیگر با متن فارسی آن مقابله شد و برخی نکات لازم به مترجم وارسته آن یادآوری شد. کتاب مذکور در سال ۱۳۹۴، توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده و بعنوان یک اثر ماندگار از خانم لمپتون در زمینه مسائل ارضی ایران در اختیار پژوهشگران و ایران‌شناسان قرار گرفته است.

۲. متن ترجمه شده از نظر ویرایشی و نگارشی مشکلات نمایانی ندارد و از نظر ترجمه بجز موارد نادر که مترجم می‌توانست از کلمات بهتری برای ترجمه استفاده کند، مورد خاصی به چشم نمی‌خورد. برای مثال: کلمه «جلوگیری نشود» به جای «جلو گرفته نشود» در خط آخر صفحه ۱۰۰ و خط اول صفحه ۱۰۱ «این کار به این دلیل بود که در روزهای نخست در میان مالکان شایع شده بود که اگر از اجرای اصلاحات ارضی جلو گرفته نشود به تعویق می‌افتد»

فصل چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم به اجرای اصلاحات ارضی در مناطق مختلف ایران، مسائل مربوط به اجرای اصلاحات ارضی و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در تهران و قم پرداخته است. در فصل نهم، دهم و یازدهم به تشریح آئین‌نامه مواد الحاقی و بررسی شقوق مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی و مقررات اجرای آن پرداخته شده است. فصل‌های دوازدهم و سیزدهم به حل و فصل اختلاف مالکان و زارعان و مسئله نظام آبیاری و اهمیت حیاتی آن در نظام کشاورزی ایران پرداخته است.

در فصل‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم به تشکیل شرکت‌های تعاونی و سازمان مرکزی تعاون روستایی، تشریح چگونگی، شرط تشکیل، عضویت و در نهایت نقد و ارزیابی عملکرد شرکت‌های تعاونی در سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۴۵ پرداخته شده است. در نهایت نویسنده در فصل هفدهم به بررسی دستاوردها و مسائل مربوط به اصلاحات ارضی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۰ در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پرداخته است (لمبتون، ۱۳۹۴).

نقد و بررسی

اکثر پژوهش‌هایی که طی دهه‌های اخیر درباره مسائل روستایی ایران انجام شده بیشتر ناظر بر نحوه اجرای اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن بوده است. برنامه‌های دیگری که در زمینه توسعه روستایی «نظیر تشکیل واحدهای کشت و صنعت، شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های تولید و ... که طی دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ به مرحله اجرا درآمده کمتر مورد توجه پژوهشگران و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. کتاب خانم لمبتون بر وقایع اصلاحات در دهه ۱۳۴۰، به ویژه بر مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ متمرکز است.

به طور کلی پژوهش‌های موجود در زمینه اصلاحات ارضی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: دسته اول شامل مطالعات کلی است که درباره اصلاحات ارضی انجام شده و از آن به دلیل درهم شکستن مناسبات ظالمانه ارباب و رعیتی دفاع شده است. این پژوهشگران کسانی هستند که برای درک چگونگی انتقال جامعه روستایی سنتی ایران به یک جامعه مدرن

از نظریه نوسازی^۱ کمک گرفته‌اند. در این شیوه تحلیلی، توسعه‌نیافتگی روستایی نتیجه نقص‌های ساختی-کارکردی درون جامعه تلقی شده است. به بیان دیگر عواملی نظیر وجهه‌نظرهای^۲ سنتی به زندگی، نبود انگیزه پیشرفت^۳، فقدان روحیه سرمایه‌گذاری، وجود روحیه تقدیرگرایی^۴ و غیره به عنوان موانع فرهنگی، اقتصادی توسعه نیافتگی، در این کشورها ذکر شده است. پیروان این مکتب معتقدند این عناصر را از طریق اشاعه فرهنگی، که از فضای خارج از این جوامع به آن اشاعه می‌یابد، می‌توان از بین برد. آرای گروهی از محققان داخلی و خارجی در تحلیل مسائل روستایی ایران به این دیدگاه نزدیک است که در میان آنها می‌توان به نویسنده کتاب حاضر اشاره کرد.^۵

برخی دیگر از محققان، اصلاحات ارضی را به مثابه فرم بورژوازی قلمداد کرده‌اند (ازکیا، ۱۳۸۸). این گروه، از اصلاحات ارضی به عنوان طرحی که هدف آن ایجاد یک قشر بورژوازی روستایی، به ضرر سایر قشرهای فقیر دهقانی بود، سخن رانده‌اند. پاره‌ای از این محققان اصلاحات ارضی را پاسخ حکومت به ناآرامی‌های دهقانی دانسته‌اند.

در این میان باید به اریک هوگلند (Hooglund, 1982)، گراهام (Graham, 1979) و فرد هالیدی (Halliday, 1979) که اصلاحات ارضی را با دیدی کاملاً انتقادی ارزشیابی کرده‌اند، اشاره کرد. به طور کلی پژوهشگران خارجی در تحلیل ساخت اجتماعی ایران و تأثیر اصلاحات ارضی بر آن چندان توفیق نداشته‌اند. برخی از آنان به موضوع‌های مهمی از این قبیل که ساخت سیاسی ده بر اثر اصلاحات ارضی چقدر تغییر کرد، یا این که واقعاً چه مقدار زمین تقسیم شد و چه گروه‌هایی از دهقانان از برنامه اصلاحات ارضی سود جستند، و اصلاحات ارضی تا چه اندازه به کاهش نابرابری در جامعه دهقانی منجر شد، اشاره نکرده‌اند.

- 1 . modernization theory
- 2 . attitudes
- 3 . Lack of achievement motivation
- 4 . fatlism

۵ . برای آگاهی بیشتر در مورد سایر پژوهشگران که از این دیدگاه برای تحلیل جامعه روستایی ایران استفاده کرده‌اند، به مصطفی ازکیا، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸، چاپ نهم مراجعه کنید.

با توجه به اینکه کتاب حاضر اثر خانم لمبتون از نخستین کتاب‌هایی است که درباره روستاهای ایران و تأثیر اصلاحات ارضی بر آن نوشته شده و ترجمه آن در اختیار ما قرار دارد، ضروری است از ابعاد مختلف به نقد و ارزیابی آن بپردازیم. برای آگاهی خوانندگان لازم است یادآور شویم نامبرده مؤلف کتاب دیگری با عنوان مالک و زارع در ایران است که به مطالعه جامعی از زندگی دهقانی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران پرداخته است. مؤلف در تدوین کتاب مذکور از منابع تاریخی عمده‌ای که به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، عربی و فارسی درباره ایران نوشته شده به خوبی بهره برده است. کتاب بیشتر جنبه توصیفی دارد و ابعاد تحلیلی آن کم است. اکثر محققان و مؤلفانی که درباره ایران، به ویژه روستاهای ایران مطالعاتی انجام داده‌اند، از کتاب مذکور به عنوان مرجع استفاده کرده‌اند.

همان‌گونه که گفته شد کتاب اصلاحات ارضی در ایران در هفده فصل تنظیم شده است. چندین فصل از کتاب به تفاوت‌های منطقه‌ای از نظر اجرا و تأثیر قانون اصلاحات ارضی در مرحله اول و دوم پرداخته و فصل‌های مبسوطی از کتاب به چگونگی نقش مأموران سازمان اصلاحات ارضی در اجرای قوانین مرحله اول و مواد الحاقی آن اختصاص یافته و چگونگی حل اختلاف در مورد واگذاری اراضی بین مالک و زارع در مرحله اول و دوم قانون اصلاحات ارضی، در این کتاب به تفصیل بررسی شده که در کمتر اثر پژوهشی این گونه مباحث مورد توجه قرار گرفته است. این نحوه برخورد با مساله، مدیون مدیران سازمان اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ است که مؤلف کتاب را در مناطق مختلف همراهی کرده‌اند. نامبرده در جلسات حل اختلاف، که بین زارعان با مسئولان اصلاحات ارضی در مناطق مختلف برگزار می‌شد، شرکت داشته و از نزدیک شاهد برطرف کردن اختلافات حاصل بین زارعان و مالکان بوده است. در کتاب فصل کاملی درباره نظام آبیاری و تأثیر اصلاحات ارضی بر آن وجود دارد که در نوع خود، کار باارزشی است. در این فصل به افت سرمایه‌گذاری در امور مربوط به آب که پس از اجرای مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی پیش آمد به تفصیل اشاره شده است. از فصول باارزش دیگر کتاب نگاهی است که مؤلف به نهضت تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی دارد و در آن تلاش کرده اثبات کند که چگونه تعاونی‌ها توانسته‌اند خلاء مدیریتی و مالی مالکان را، که بر اثر اصلاحات ارضی از جامعه روستایی

حذف شده‌اند، پر کنند. نامبرده در مورد نقش شرکت‌های تعاونی روستایی به مثابه منبع اعتباری مهم برای رفع نیازهای زارعان بحث مفصلی پیش می‌کشد. در فصل هفدهم به نوعی جمع‌بندی درباره مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی مبادرت کرده، و از تأثیر شگرف اصلاحات ارضی در بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی روستاییان در آن برهه از زمان سخن گفته است. با این همه، کتاب حاضر از ایرادهای اساسی برکنار نیست که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- مهم‌ترین اشکال به روش تحقیق نامبرده مربوط می‌شود. ظاهراً ایشان در دهه ۱۹۶۰ مسافرت‌های متعددی به مناطق روستایی ایران داشته و از تعدادی آبادی بازدید کرده است. در حاشیه این بازدیدها، قوانین اصلاحات ارضی مرحله اول و دوم را هم مطالعه کرده و حاصل این کار به کتاب اصلاحات ارضی در ایران بین سال‌های ۴۰-۴۴ تبدیل شده است. این‌گونه بررسی‌ها در ادبیات توسعه روستایی به «توسعه روستایی سیاحت‌گونه» معروف است که چندان عمق ندارد، و نوعی ارزیابی سطحی، با سفر اجمالی و سریع به موقعیت مورد مطالعه یا مرور پروژه‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده در مراکز اداری و اجرایی مستقر در مراکز شهرهاست. از دیدگاه پژوهش‌گرایانه، این روش چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. این اشکال روش‌شناسی در فراهم‌آوری داده‌های منتقن و قابل اعتبار و همچنین در نتیجه‌گیری‌های قابل اعتماد تأثیر به‌سزایی دارد؛ به ویژه زمانی که مأموران اداری پژوهشگر را در بررسی‌های تحقیقی همراهی می‌کنند.

در این جا بی‌مناسبت نیست از تجربه‌ای که نگارنده در یکی از روستاهای مورد مطالعه ایشان در تربت حیدریه داشته‌ام (ازکیا، ۱۳۵۳) و نامبرده نیز این روستا را مطالعه کرده است یاد کنم. این روستا، روستای آبرود از توابع تربت حیدریه است و در ۵ تا ۶ کیلومتری این شهر قرار دارد. قبل از ورود مؤلف کتاب، مأموران سازمان اصلاحات ارضی، زمینه را برای بازدید ایشان فراهم کرده بودند. کدخدای ده که ژاندارم بازنشسته بود به اتفاق چند تن از متنفذان ده اطلاعات اغراق‌آمیز و نادرستی در مورد تأثیر اصلاحات ارضی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی

دهقانان در اختیار لمبتون قرار دادند. او بیش از دو ساعت در ده توقف نداشت، اما در کتاب خود نتیجه می‌گیرد که وضع اقتصادی آن دسته از دهقانانی که در مرحله اول اصلاحات ارضی صاحب زمین شدند کاملاً بهبود یافته و تولید کشاورزی افزایش یافته است. خانم لمبتون در مورد نقش شرکت تعاونی می‌نویسد: «شرکت تعاونی آبرود» از شرکت‌های پیشرفته‌ای است که علاوه بر اعطای اعتبارات کشاورزی به دهقانان، در تهیه نفت، کود شیمیایی، سموم دفع آفات نباتی و بذر اصلاح‌شده برای اعضای خود فعالیت چشمگیری داشت. من بسیار تحت تأثیر این شرکت و روحیه با نشاط و وجهه نظر مثبت دهقانان قرار گرفتم (لمبتون، ۱۳۹۴: ۲۳۷). اما نگارنده در سال ۱۳۴۶-۱۳۴۷، یعنی سه سال بعد از نگارش کتاب لمبتون، در همین روستا در مورد اثرات اجتماعی- اقتصادی اصلاحات ارضی مطالعه‌ای مونوگرافیک انجام دادم و نتایجی را که ایشان دیده بودند مشاهده نکردم (ازکیا، ۱۳۵۳). هرچند نمی‌توان همه یافته‌های ایشان را در خصوص نتایج اصلاحات ارضی مرحله اول خلاف واقع ذکر کرد، اما مهم این است که این‌گونه مطالعات روستایی با شیوه «ده‌گردشی» نمی‌تواند نتایج قاطع و روشنی از دگرگونی اجتماعی در جامعه روستایی به دست دهد.

۲- اگرچه دکتر لمبتون دهات بی‌شماری را دیده و بازدید کرده بود، ذکر دو نکته در این مورد لازم است. نخست آن که مأموران اصلاحات ارضی راهنمای او، روستاهای مورد بررسی نامبرده را از میان روستاهای نسبتاً آباد و مرفه انتخاب، و مأموران دولتی هم برای پاسخگویی به پرسش‌های وی، زمینه‌سازی‌های لازم را ایجاد کرده بودند. دوم اینکه، با توجه به دشواری‌های تحقیقات روستایی در ایران، تنها بازدیدهای کوتاه‌مدت و تشریح پاسخ‌های دهقانان برای ارزیابی تغییرات حاصل از اجرای قوانین اصلاحات ارضی کفایت نمی‌کند. نتایج حاصل از برنامه‌های توسعه روستایی در زمینه ساختار اجتماعی جامعه روستایی تنها از طریق این نوع مطالعات مبتنی بر توریسم روستایی امکان‌پذیر نیست. اکثر محققان خارجی در مطالعه کشورهای خاورمیانه سعی در کاربرد اصطلاحات خاص کشور خود دارند، بدون این که از چگونگی استفاده و نیز از دامنه تغییرات این اصطلاحات در این کشورها آگاه باشند. با توجه به این نکته می‌توان این فرض را مطرح کرد که ایشان از درک صحیح مالکیت در معنای ایرانی آن و مسئله نظام‌های واحد زراعی و کارکرد آن، یا موضوع نقش و وظایفی که مالکان در نظام

ارباب- رعیتی در نظام روستایی سنتی ایران داشته‌اند، ناتوان بوده است. به عنوان مثال، در کتاب حاضر، ایشان معتقدند مالکان به هیچ وجه به زارعان وام نمی‌دادند. در حالی که نظام تقاوی در این دوره در غالب روستاهای ایران متداول بوده است. تقاوی مساعده‌ای است که قبل از شروع فصل کشت، مالک برای تهیه ابزار تولید، در اختیار دهقان می‌گذارد (ملک، ۱۳۵۴: ۱۵-۳۰). ناگفته نگذاریم که به علت عدم توانایی بسیاری از غربی‌ها از شناخت فرهنگ کشورهای خاورمیانه، هنگام تعبیر و تحلیل فعالیت‌ها و پاسخ‌های دهقانان معمولاً خطر ناشی از سوء تفاهم وجود دارد.

درک دهقان از موقعیت یا مسئله‌ای خاص با آنچه فرنگی‌ها از آن در می‌یابند کاملاً متفاوت است. اگر این محققان به درک اصطلاحاتی که دهقانان به کار می‌برند توفیق نیابند، پاسخ‌های دهقانان غیرعقلایی، بی‌معنا و گاهی پیچیده به نظر می‌آید. بنابراین، دور از انتظار نخواهد بود که نتیجه‌گیری‌های لمبتون درباره موفقیت اصلاحات ارضی گاهی اغراق‌گونه تجلی می‌کند. نامبرده درباره تأثیر اصلاحات ارضی می‌نویسد: «در روستاهای بی‌شماری که در آنها اصلاحات ارضی در مرحله اول یا دوم اجرا شده، روستاییان برای خود خانه‌های بهتری ساخته‌اند. این قبیل فعالیت‌های ساختمانی دلالت بر بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان دارد، هرچند ارتقای سطح زندگی دهقانان فقط به خانه‌سازی محدود نمی‌شود. در مجموع، در دهات اصلاحات ارضی شده، دهقانان بهتر غذا می‌خورند و بهتر لباس می‌پوشند و اسباب و اثاثیه بیشتری نسبت به قبل از اصلاحات ارضی در اختیار دارند و علاوه بر آن، از میزان بدهکاری دهقانان نیز کاسته شده است. سلف فروشی محصولات و بدهکاری، که از ویژگی‌های جامعه روستایی ایران قبل از اصلاحات ارضی بود، به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و این امر بدون وجود شرکت‌های تعاونی امکان‌پذیر نبوده است» (Lambton, 1979: 3). در زمینه جنبش تعاونی، دکتر لمبتون می‌گوید مأموران سازمان مرکزی تعاون روستایی افرادی علاقه‌مند و با ایمان‌اند که توانسته‌اند در کشوری اعتماد دهقانان را جلب کنند که به ندرت می‌توان شکاف بین مردم و دولت را پر کرد (همان، ۳۶۴). وی در مورد عملکرد تعاونی‌های روستایی در دهات معتقد است «اغلب بین اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی، احساس وفاداری و غرور به شرکت دیده می‌شود. سطح آگاهی و شعور، و نیز صلاحیت مدیران عامل و تاحدی

اعضای شرکت‌ها رشد زیادی کرده است. به علاوه، دایره فعالیت‌های این شرکت‌ها در حال فزونی است. اگرچه هنوز وظیفه اصلی آنها اعطای وام‌های کوتاه مدت است، دادن اعتبارات با بهره کم یکی از عوامل بهبود شرایط زندگی دهقانان در سراسر کشور است (همان). با وجود این، لمبتون احساس می‌کند اجرای سیاست‌های کشاورزی دولت بیشتر به نفع سرمایه‌داران ارضی و واحدهای بزرگ تولید صورت می‌گیرد. اعتماد دهقانان و خرده مالکان به دولت کاهش یافته و سرمایه‌گذاری این دو گروه در بخش کشاورزی کاهش چشمگیری داشته است. نتیجه‌گیری‌های لمبتون از اصلاحات ارضی و تعاونی‌های روستایی با آنچه نگارنده طی پژوهش‌ها و تجربیات خود در روستاهای ایران به دست آورده مغایر است. در کشوری مانند ایران که از لحاظ ساختار اجتماعی عمیقاً قشربندی شده است، منافع حاصل از برنامه‌های توسعه نمی‌تواند توزیع عادلانه‌ای داشته باشد. چنان که در مقدمه کتاب جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران به تفصیل در این مورد بحث شده است، اصلاحات ارضی و سایر برنامه‌های توسعه در دوره‌ای که خانم لمبتون از آن به عنوان دوره «آسایش و رفاه» دهقانان ایرانی یاد می‌کند به نفع گروه‌های دهقانی مرفه و بزرگ مالکان - که ارضی مرغوب خود را از تقسیم معاف کردند - و به ضرر قشرهای فقیر روستایی به پایان رسید (ازکیا، ۱۳۸۸).

اصلاحات ارضی رژیم گذشته تنها به افزایش نابرابری‌های اقتصادی در میان دهقانان ایران انجامید. توزیع زمین به طور نابرابر صورت گرفت و زارعیانی که در مرحله دوم انتظار دریافت زمین داشتند کلاً ناامید شدند و در نتیجه اختلاف میان زارعان و مالکان به ویژه اجاره‌داران بسیار بالا گرفت (ازکیا، ۱۳۴۸). بیش از ۴۰ درصد دهقانان کمتر از ۲ هکتار زمین به دست آوردند که برای تأمین معیشت خانوار دهقان در این دوره کافی نبود (ازکیا، ۱۳۸۸). فقدان نهاده‌های کشاورزی موردنیاز و کوتاهی دولت در تأمین اعتبارات لازم برای دهقانان کوچک و خرده‌پا سبب شد اقتصاد دهقانی در مجموع به زوال بینجامد، و دهقانان نتوانند حداقل زندگی خود را از راه زراعت تأمین کنند. مطالعه و بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد میزان بدهی دهقانان از سال ۱۳۴۸ به بعد افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. تخصیص قسمت اعظم اعتبارات بخش کشاورزی به توسعه واحدهای بزرگ نظیر کشت و صنعت، سهامی‌های زراعی

و تعاونی‌های تولید سبب شد که بخش دهقانی حتی اعتبار لازم برای کشاورزی بخور و نمیر را نداشته باشند.

به علاوه، دکتر لمبتون نتوانست تحلیل درستی از اثرات اصلاحات ارضی بر ساخت سیاسی روستاهای ایران به دست دهد. خانم لمبتون به این نکته اساسی توجه نکرد که گروه‌های ذی‌نفوذ، که قبل از اصلاحات ارضی حافظ منافع مالک بودند، از طریق زدوبند با مأموران دولتی اکثر پست‌های اقتصادی-اجتماعی را در روستاها اشغال کردند و توانستند از این راه منافع برنامه‌های عمرانی را به جیب بزنند. روابط سیاسی جدید که در نتیجه اجرای قوانین ارضی در روستاهای ایران پدید آمد، تغییر سیاسی مهمی را نسبت به قبل از اصلاحات ارضی نشان نمی‌دهد. سلسله مراتب قدرت تغییر بنیادی حاصل نکرد. الگوی قشربندی اجتماعی نه تنها عوض نشد، بلکه تقویت نیز شد.

به رغم مشاهدات لمبتون، بسیاری از مدیران عامل شرکت‌های تعاونی از افراد بانفوذ و با قدرت ده انتخاب می‌شدند. با این که لمبتون در مورد مدیرعامل «شرکت تعاونی باباقاسم» می‌نویسد: «خودش، پدرش و پدربزرگش مقام کدخدائی ده را داشته‌اند» (A.K.S.Lambton.O.P.cit.11)، با این وجود او هرگز توجهش به مسئله چگونگی تأثیر اجرای قوانین ارضی در تغییر یا عدم تغییر ساخت سیاسی و اجتماعی دهات ایران جلب نشده است. در مورد تعاونی‌ها باید گفت این شرکت‌ها در دوره مورد بررسی شاخه دیگری از بوروکراسی دولتی در روستا تلقی می‌شدند، و لذا نمی‌توان آنها را به عنوان مؤسسات مستقل که نهاد مشارکت را تقویت می‌کنند به حساب آورد. این تعاونی‌ها براساس اهداف سیاسی و اجتماعی خاصی که دولت تعقیب می‌کرد، پدید آمدند و دهقانان نقشی در ایجاد آن نداشتند. در سطح دهات، تعاونی‌های روستایی تحت کنترل و نفوذ دهقانان مرفه قرار داشتند. سیستم توزیع اعتبار در تعاونی‌ها، به میزان سرمایه هر فرد محدود می‌شد. از این رو زارعان کوچک با سرمایه اندک در تعاونی دستیابی کمتری به وسایل تولید به ویژه سرمایه داشتند. هر چه سرمایه یک زارع در تعاونی بیشتر بود، میزان اعتبار دریافتی او نیز بیشتر می‌شد. می‌توان گفت تقسیم زمین برای مالکان بزرگ، که اصلاحات ارضی، اراضی‌شان را از تقسیم مستثنا ساخت و برای زارعان ثروتمند که توانستند از سرمایه‌گذاری عقلانی و تکنیک‌های جدید کشاورزی سود ببرند، مفید بود. چنان که خانم نیکی کدی بیان داشت زارعان کوچک از هیچ نوع

حمایتی نظیر حداقل دستمزد، غرامت‌های دوران بیکاری و حق کشت‌وکار روی اراضی، که با خرید حق ریشه آنان خصوصی اعلام شد، برخوردار نبودند (Keddite, 1968: 89) و از آنجا که تعاونی‌های روستایی قادر به حل مشکلات اقتصادی دهقانان تهی‌دست و خرده پا نبودند، لذا دور از انتظار نبود که اکثر اعضا، وفاداری خود را به این شرکت‌ها از دست بدهند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی اصلاحات ارضی ۱۰ سال به طول انجامید و ظاهراً در سال ۱۳۵۱ به پایان رسید. طرح‌هایی که در این مدت در زمینه اصلاحات ارضی به تصویب رسید، به حل بنیادی مسئله ارضی منجر نشد. املاک متعلق به مالکان غایب، به طور کامل بین دهقانان تقسیم نشد و اصلاحات ارضی به این معنا که قدرت و نفوذ مالکان در روستاها به زارعان منتقل شود، صورت نگرفت. اگرچه تعداد زیادی از زارعان مختصر زمینی به دست آوردند، اما قدرت تا حد زیادی به دولت منتقل شد. به گفته «هالیدی» در کتاب «ایران: دیکتاتوری و توسعه» دهقانان ایران مانند قبل از اصلاحات ارضی بی‌قدرت‌اند، اگرچه تغییر اساسی میان مالک و زارع در ده صورت گرفته است.

از سوی دیگر مطالعه نشان می‌دهد مشاغل اداری و آموزشی در سطح ده غالباً به انحصار خانوارهای دهقانان ثروتمند درآمد. به طوری که فلدمن^۱ همین حالت را در مورد دهقانان تانزانیایی متذکر می‌شود: «دهقانان ثروتمند بیش از دهقانان فقیر این شانس را دارند که جذب بروکراسی شوند» (Feldman, 2003). دهقانان فقیر به مشاغل کشاورزی کم‌اهمیت جذب شدند، و زندگی آنان بیشتر با کارهای فصلی موجود، یا مهاجرت به شهرها و کار در امور ساختمانی پیوند داشت. دهقانان فقیر نه تنها از سوی دهقانان مرفه و سرمایه‌داران ارضی استثمار می‌شدند، بلکه سوداگران ده نیز از آنان بهره‌کشی می‌کردند. مطالعات نشان می‌دهد بدهی دهقانان فقیر به رغم برنامه اصلاحات ارضی، بیش از سه برابر افزایش یافت (ازکیا، ۱۳۵۷) و به نظر می‌رسد اگرچه اصلاحات ارضی با تقسیم زمین میان حدود ۵۰ درصد از

1. Feldman

دهقانان همراه بود، اما قدرت سیاسی مالکان، که باید به دهقانان انتقال می‌یافت، به دولت واگذار شد و دولت مرکزی با استفاده از «تثبیت» ساخت طبقاتی موجود در مناطق روستایی به تقویت موقعیت سرمایه‌داران ارضی، دهقانان مرفه، سران بنه‌ها و دلال‌های روستایی پرداخت و موجب تزلزل جامعه دهقانی شد. دولت مرکزی از طریق عوامل مختلف خود در روستا، توانست به طور مؤثری به کنترل روستاها بپردازد و توده‌های دهقانی، همان‌طور که قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ فاقد قدرت بودند، پس از آن نیز به همان وضع باقی ماندند. موقعیت اجتماعی اقشار خوش‌نشین که از دریافت زمین مستثنی شده بودند نسبت به قبل از اصلاحات ارضی بهبود حاصل نکرد؛ زیرا این گروه از ساکنان روستایی که در آن زمان حدود ۴۰ درصد روستاییان را تشکیل می‌دادند از مشارکت در تمام نهادهای اجتماعی و اقتصادی روستایی محروم شدند (ازکیا، ۱۳۸۸). اما به گفته هالیدی دهقانان در مجموع اگرچه از لحاظ درآمد و قدرت سیاسی سود نبردند، در عوض بیداری اجتماعی‌شان فوق‌العاده افزایش یافت (ازکیا، ۱۳۷۵).

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۴۸). بررسی نتایج اصلاحات ارضی در هفت منطقه ایران. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- _____ (۱۳۵۳). مونوگرافی آبرود. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- _____ (۱۳۷۵). مقدمه بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- _____ (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
- زریری، رضا (۱۳۸۵). خانم کودتا! ایران‌شناسی خانم لمبتون در خدمت استعمار پیر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (<http://www.ensani.ir/fa/content/112186/default.aspx>)
- لمبتون، آن کترین سواينفورد (۱۳۹۴). اصلاحات ارضی در ایران. مترجم: مهدی اسحاقیان. تهران: امیرکبیر.
- ملک، حسین (۱۳۵۴). وضع کشاورزی ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

- Abrahamian, E (2013). *The Coup: 1953, The CIA, and The Roots of Modern U.S.-Iranian Relations*. London: The Newpress.
- Feldman, R (2003). "Rural Social Differentiation Political Goals in Tanzania" In I. Oxaal, T. Barnett, and D. Booth (eds.). *Beyond the Sociology of Development: Economy and Society in Latin America and Africa*. Florence, KY: Routledge, pp. 154-182.
- Graham, R (1979) *Iran, Illusion of Power*. Croom Helm Ltd
- Halliday, F.E. *Iran: Dictatorship and Development* (Pelican). London: Penguin Books.
- Hooglund, E. (1982). *Land and Revolution in Iran, 1960-1980*". Texas: University of Texas Press.
- Katouzian, M.A (1974). Land reform in Iran: a case study of the political economy of social engineering, *Journal of Peasant Studies*, vol.1.
- Keddie, N. R. (1968) The Iranian Village before and after Land Reform In *Journal of Contemporary History*, Vol. 3, No. 3, The Middle East (Jul., 1968), pp. 69-91.
- Lambton, A. K.S. (1979), *The Persian Land Reform, 1962-66*. Oxford: Oxford University Press.
- Warriner, D. (1969). *Land Reform in Principle and Practice*. Oxford: Oxford University Press.